



۲۰۱۹/۰۸/۰۶



س.ح. روغ

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟

گفتار بیست و نهم

## «مِم؛ هُم؛ مَجْم!!»

بیست سال پیش طالبان گفتند که بت های بامیان کافر هستند چون ۱۷۰۰ سال سکوت کرده اند؛ و طالبان کرام به یک هزار و یک فن و چل از دهان بت های بامیان صدای انفجار را کشیدند!!

حالی، ۲۰ سال بعد، طالبان در ارچنوی سانچارک زمین زیر زیارت ها را سوراخ کرده میروند و میگویند که بت های سر زمین را از بین بردیم، اینالی دگه نوبت بتهای زیر زمین است! چون بت های زیر زمین کافر تر هستند!! محمد زمان احمدی هفت سال پیش نوشت که اینمی جای نشانی! یادتان باشد که بعد از بت های بامیان نوبت به زیارت های تان می رسد!

این نویسنده را دستگیر کرده اند! و به بیست سال زندان محکوم کردند!

چی گپ است: «مِم؛ هُم؛ مَجْم!!»

دولت افغانستان اعلام کرد که مذاکرات مستقیم میان دولت افغانستان و طالبان تا دو هفته دیگر برگزار می شود؛ طالبان گفت که حاضر به «مذاکره مستقیم» با دولت افغانستان نیست؛ مذاکرات بین الافغانی تنها پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان آغاز خواهد شد.

داکتر خلیل زاد گفت "گفتگوی بین الافغانی" زمانی صورت می گیرد که امریکا مذاکرات خود با طالبان را نهایی کند؛ اما تا چند روز پیش جناب داکتر خلیل زاد می گفت که تا طالبان مذاکره با دولت افغانستان را نپذیرند، توافق امریکا با ایشان نهایی نمی شود؛

از صلح پیش، و انتخابات پس، و «نتایج حاکم»، هم دیگر سخنی نیست! دولت افغانستان آغاز انتخابات را به مذاکرات با طالبان مشروط نه ساخته است؛

حالی مذاکرات میشه یا نمیشه: «مِم؛ هُم؛ مَجْم!!»

امروز مبارزات انتخاباتی برای انتخاب ریاست جمهوری در افغانستان رسماً آغاز یافت؛ غنی تیم انتخاباتی خود را تیم «دولت ساز» نامید و گفت در این روز شاهد تطبیق قانون است!

غنی بر حفظ وحدت ملی، همسویی و همدلی پای فشرد و گفت که بر سر انتخابات معامله نمی کند؛ و اهل زور گویی نیز نیست؛ اما حاضر به امتیاز دادن به کسی نخواهد بود؛ غنی گفت که «جمهوریت» و «شهروندی» دو مقوله کلیدی است که صدها نفر برای تحقق آن خون داده اند؛ و او برای تحکیم این دو مقوله بار دیگر نامزد انتخابات شده است.

متأسفانه همه کوشش ها جریان دارد که اعتماد و امیدواری مردم به انتخابات خدشه دار شود؛ تهدید ترور بر علیه غنی و اعضای تیم وی تشدید شده است؛ در طی یکماه دوتن از محافظان غنی ترور شده اند؛ امروز هنگامی که امرالله صالح در دفتر جنبش سبز کار می کرد، دفتر وی مورد هجوم مردان مسلح قرار گرفت؛ هیچ کدام از تیم های متعدد انتخاباتی با چنین خطراتی مواجه نه بوده اند!

مجیب مهرداد نوشت:

«امیدوارم این انتخابات - که امیدوارم برگزار شود - رقابت بر سر برنامه ها باشد؛ مذاکرات صلح نیز هم چنان ادامه دارد و ممکن است نتایج آن بر پروسه انتخابات اثر کند؛ تنها پروسه ای که بدیل ندارد، انتخابات است»

غنی گفت: حکومت و مردم افغانستان، طالبان را با دیده احترام نگریسته اند و باید طالبان نیز به مردم و حکومت به دیده حقارت نبیند؛ زیرا در آن صورت، ناگزیر به پرداخت هزینه سنگین خواهد شد.

طالبان گفت: «انتخابات درمان درد افغانستان نیست»؛

عمران خان گفت که طالبان باید در انتخابات شرکت کنند؛

حسین حقانی سیاستمدار پاکستانی مقیم امریکا گفت: «طالبان چی داده اند؟ آنان حکومت افغانستان را به رسمیت نشناخته اند؛ آتش بس را نپذیرفته اند؛ حمله های شان را افزایش داده اند؛ فکرمیکنم که طالبان تنها به این امید با امریکاییان گفت و گو می کنند که امریکاییان از این جا بیرون خواهند شد و آنان خواهند توانست که بار دیگر افغانستان را به زور بگیرند»

آیا طالبان زور شان به چنین کاری می رسد: «مم؛ همم؛ مچم!!»

•

مطمیناً این یک سو تفاهم ساده نبود که وزارت خارجه امریکا، فقط یک هفته پیش تر، دعوت و اشنگتن از عمران خان را صریحاً رد کرد؛ اما یک هفته بعد عمران خان در رأس یک هیأت بلندپایه دولتی در واشنگتن «درخشید»!

چند چیز در این دیدار بیشتر جالب توجه بودند:

یکی این که از عمران خان قصداً در سطح جشنی تجلیل صورت گرفت؛ نه تنها اراکین دولت دونالد ترامپ، بل رؤسای کانگرس هم با عمران خان ملاقات داشتند؛ چنین یک وضعیت بیشتر از این که نشانه حرمت گذاری به عمران خان بوده باشد، نشانه مطالباتی بود که اداره قصر سفید در برابر عمران خان قرار داده باشد؛ پرزیدنت ترامپ از ماکرون هم با گرمی زایدالوصف استقبال کرده بود، اما طی ملاقات از ماکرون تقاضا کرده بود که بر علیه آلمان موضع بگیرد؛

دیگری این که اقامت ستردرستیز پاکستان و رئیس آی اس آی در واشنگتن طولانی تر بود؛ یعنی به هیأت پاکستانی برخی وظایف پنهان سپرده شده است؛

پس قصرسفید میکوشد پاکستان را در سترائژی جدید خود در خلیج جای بدهد؛ مطابق به این سترائژی یک واحد نظامی امریکا بطور دائمی در سعودی مستقر می شود؛ و تدابیر امنیتی نو در خلیج فارس اتخاذ می شود؛ حکومت نو انگلستان هم اعلان کرد که از برجام خارج می شود و به این سترائژی نو امریکا در خلیج پیوست؛ چندماه پیش که عمران خان راننده ولیعهد سعودی شد، عمق پیوند میان پاکستان و سعودی آشکار بود؛ عمران خان در بازگشت از امریکا گفت که از خدا بابت روی کار آمدن ترامپ سپاسگزارم؛ و باجوه هم بدنبال همین دیدار اخیر از واشنگتن صریحاً گفت پاکستان به امنیت سعودی متعهد است؛

بعد این که قصرسفید به هند از مدرک گرم ساختن دو باره مناسبات با پاکستان هشدار می دهد؛ دلایلی بدست هستند که مناسبات امریکا با هند را پیوسته بیشتر سرد شده اند؛

معلومات مسایل افغانستان نیز مورد بحث بوده اند؛ اظهارات موهن پرزیدنت ترامپ در باره افغانستان، و افغانان، این حدس و گمان را تشدید می کرده است که گویا واشنگتن به فیصله های یکجانبه درباره افغانستان تن داده باشد؛ و طی یک شتابزدگی دست درازی های بیجا در افغانستان برای پاکستان پیشکش کرده باشد.

ارگ فوراً موضع گرفت: «ملت افغانستان به هیچ قدرت خارجی اجازه تعیین سرنوشت خویش را نداده و نخواهد داد» و دولت افغانستان خواستار توضیح عاجل شد؛ و علاوه از داکتر خلیلزاد، ستردرستیز امریکا عاجلاً به کابل سفر کرد؛ و هر دو به داکتر غنی توضیحاتی دادند، که ظاهراً تشنج اولی را رفع کرده باشد؛

عمران خان گفت افغانان خودشان در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرند. و پاکستان پالیسی مداخله نکردن در افغانستان را در پیش گرفته است؛ چون تلاش های کشورش برای به دست آوردن عمق استراتژیک در افغانستان به ضرر پاکستان تمام شده است؛ پاکستان تنها در روند صلح افغانستان همکاری خواهد کرد.

هر گاه مفکوره های پیشنهادی ترامپ به عمران خان به استقامت «اف-پاک» باشد، پس جدی ترین مقاومت از جانب هند صورت خواهد گرفت؛ هند می خواهد پاکستان را ضمیمه کند و در اتحاد با افغانستان به آسیای میانه برسد؛ و پاکستان می خواهد در تحت «اف-پاک» بر افغانستان دست بیابد و راه خود را به آسیای میانه باز کند؛ اما راه هند را به آسیای میانه ببندد؛ معنا این که اگر امریکا امتیازات خاصی برای پاکستان در افغانستان در نظر بگیرد، هند بالای پاکستان حمله خواهد کرد! این هشدار را هند چند بار داده است!

ازینجاست که یکبار دیگر، و به تکرار، می نویسیم: کدام راه حل یکجانبه برای مسایل حوزه ما حقیقت ندارد؛ فقط یک راه حل برای صلح پایدار در منطقه ما گشوده است: همگرایی منطقوی بدور افغانستان مستقل؛ و تأسیس حوزه تمدنی ما!

بالاخره این که عمران خان در واشنگتن درباره سلاح اتمی پاکستان سخن گفت؛

زمانی نوازشریف گفته بود: ما بم اتم داریم؛ و بم اتم پاکستان را در برابر هرگونه تهاجم مصؤون و آسیب ناپذیر می سازد؛ چندی بعد از آن اوباما نوازشریف را به قصرسفید خواست؛ و عکس ها، اوباما را در حالی نشان دادند که یک قطی سیاه دراز دومتره را از میان دوپای خود در پیش بینی نوازشریف شورک می داد؛ و نواز شریف زیر چشمی بد بد سیل می کد، و پیش خود می گفت پیشبینی کرده بودم که از خلق تا خلق یک نقطه گک خورترک پایان افتاده است!

اینک اما عمران خان در همان واشنگتن از سلاح اتمی پاکستان سخن گفت؛ وگفت سلاح اتمی خودکشی جمعی است و پاکستان آماده است سلاح اتمی خود را واگذار کند، بشرطی که هند هم این کار را بکند؛ بار نخست است که یک صدراعظم پاکستان درباره سلاح اتمی خود چنین برهنه سخن می گوید؛ و این بیانات عمران خان در واشنگتن هر قدر هم با ظاهر خوب پوشانیده شده باشند، بهر حال یک اشاره در آن نهفته است در باره انکشافات اخیر در آی اس آی که طی آن کوشیده شده بود معلومات سری در باره زرادخانه اتمی پاکستان خریداری شود؛ و همین اشاره کافی است تا باردگر در نظر بیاید که فاصله بزرگی امریکا را از متحد دیرینش پاکستان جدا کرده است؛ فاصله ای که به زودی و به سهولت رفع شدنی نیست؛ حسین حقانی گفت که موانع عادی شدن مناسبات میان امریکا و پاکستان چنان انبوه هستند که به آسانی نمیتوان این مناسبات را نجات داد؛ آیا شب نشینی ها این مناسبات را نجات داده است: «مِم؛ هُمم؛ مَجْم!!!»

•  
اظهارات پرزیدنت ترامپ درباره افغانستان و افغانان بشدت تکانهنده بودند؛ این که جامعه مدنی افغانستان در داخل و خارج کشور با خشونت به این اظهارات پاسخ گفتند؛ کمی تعجب آور بود؛ به مثل این که اظهارات دیگری انتظار می رفت!!

واشنگتن پست نوشت که هنگامی که پرزیدنت ترامپ خطاب به عمران خان گفت:  
«اگر ما خواسته باشیم در جنگ افغانستان پیروز شویم، من می توانم در یک هفته این جنگ را فتح کنم. تنها من نمی خواهم ۱۰ میلیون انسان کشته شود... افغانستان از روی زمین زوده خواهد شد. در ۱۰ روز... آیا این (مطلب) برایت مفهوم دارد؟...»

و واشنگتن پست می نویسد که عمران خان، صدراعظم همان کشوری که از مدت ۴۰ سال به این سو منظم افغانان را قتل عام کرده است، در برابر این گزاف گویی پرزیدنت ترامپ مکث می کند؛ و پس از خم و چم اشاره می کند: «مِم؛ هُمم؛ مَجْم!!!»

حامد کرزی گفت اظهارات ترامپ توهین بزرگ به مردم افغانستان است و مردم افغانستان از معاملات پنهانی امریکا با پاکستان از زمان زیادی بدین سو و بخصوص پس از شروع پروسه صلح نگران اند. ابراز نظر های اخیر آقای ترامپ در حضور صدراعظم پاکستان نشان می دهد که نگرانی مردم افغانستان در این راستا کاملاً بجا و بر حق بوده اند؛  
داکتر دادفر سینتا اظهارات پرزیدنت ترامپ را از منظر شکست امریکا در افغانستان ارزیابی کرد؛ از ویتهام مثال زد؛ و گفت: «این سرزمین همچنان پا برجاست. شما که می خواهید بروید، کسی هم از شما دعوت نکرده بود. خود آمدید؛ و خود می روید» و «ما صلح می خواهیم؛ اما برگشت حاکمیت پاکستان را نمی خواهیم»  
عجب این که جامعه جهانی هم اطلاعی ندارد که چی در جریان است؛ معاون سرمنشی ملل متحد ضمن طرح موضوع افغانستان در شورای امنیت، از برقراری قریب الوقوع صلح در افغانستان ابراز تردید کرد و گفت:  
«برقراری صلح پایدار در افغانستان زمانگیر است»؛

وباز هم عجب تر این که چین و روسیه که اعضای میسیون سه جانبه هم هستند، هم ازجریانات اطلاعی ندارند؛ نماینده روسیه، در شورای امنیت ملل متحد، گفت: «... نه مقام های ارشد دولت افغانستان، و نه ناظران جهانی،

اطلاعات دقیقی از جزییات توافق آمریکا با طالبان ندارند؛ ما از مبدل شدن تلاش‌ها برای صلح افغانستان به یک **نمایشگاه خیالی** و رقابت سیاسی میان کشورها نگرانی داریم»  
حسین حقانی معتقد است، صلح واقعی در افغانستان هنگامی به میان خواهد آمد که سازمان استخبارات امریکا و آی اس آی پاکستان به مداخله در افغانستان پایان دهند و رهبران افغان‌ها به قدرت‌های دیگر رو نیاورند.  
خی دیگه! اگه صلح نمی آید، پس چی می آید: «**مِم؛ هُمم؛ مَجْم!!**»

•  
چنین است هموطن!

۴۰ سال می شود که ما را در یک «نامعلومی بی پایان» آویخته اند؛ و همین حالا، پس از ۴۰ سال، هم هیچ چیزی معلوم نیست!  
از چنین یک وضعیت است که ما باید خود را به صلح برسانیم!  
از کدام راه به صلح برسیم؟ از راه جمهوری!  
چرا؟!

چون صلح یک هم نهاد جمهوری است؛ و از آن مهم تر صلح یک هم نهاد رهایی است؛  
یعنی تا وقتی که ما لگام سرنوشت خود را بدست دیگران داده ایم، نه راهی به صلح، و نه راهی به رهایی گشوده نیست؛  
این که امریکا در افغانستان چی می خواست؛ و یا چی می خواهد؛ این بیکطرف!  
اما در وضعیت بسیار باریک و تاریک جاری حتی از دست دادن امریکا هم یک گام بسوی فاجعه است!  
مهم این است که آینده وطن را در دست ترور و وحشت نگذاریم! روز های آینده بسیار دشوار اند! برای این روز های دشوار باید آماده شویم!  
چل سال است که دیگران ما را بزیرپای انداخته اند؛ حال تصمیم بگیریم و قد راست بایستیم!  
از درخت بیاموزیم که خشک و تر را در ایستادن یکی می کند!  
بیا بایستیم و انتخابات را به فرجام شایسته آن برسانیم!

•  
آیا درخت ما برای ابد برگ خونین خواهد داشت: «**مِم؛ هُمم؛ مَجْم!!**» ۲۰۱۹/۰۷/۲۸



**تذکر:**

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که نبشته‌ها و مطالب دیگری از این نویسنده را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "ارشیف" شان رهنمائی شوند!

به اوضاع جاری وطن چگونه بنگریم؟ (۲۹)

Rogh\_h\_۴۱\_ba\_aozaaye\_watan\_tshiguna\_bengarem\_۲۹.pdf